

وقت عرض ادب هم نیست به این جهت که برنامه‌ها در این نشست؛ یعنی در دوازدهمین نشست به جهت این که دو جلسه در حال برگزاری است؛ هم بخش برادران در این قسمت، بخش خواهران در همین مجموعه و اساتید صحبت می‌کنند تشریف می‌برند در بخش خواهران، خیلی وقت ضیق است، ما مجبوریم فقط با عرض شرمندگی اعلام کنیم برنامه‌ها را خدمت شما خوبان.

پویش با هم هم سرنوشتیم یا همسر نوشتیم ما یک خانواده‌ایم پویشی است در حوزه خانواده و تبلیغات عمومی در این حوزه که برادر بزرگوارمان جناب آقای طالبی، آقا مجتبی طالبی عزیزان شاءالله الان تشریف می‌آورند، پویش را تقدیک شما خواهند کرد. گزارشی این پویش و پانزده دقیقه هم وقت دارند. من تمنا می‌کنم که حقیر که فقط دارم اعلام می‌کنم. دوستان هم محبت کنند، بنده‌نوازی کنند همه رعایت کنیم حدود و وقت‌ها را تا ان شاءالله به برنامه‌ها برسیم و ان شاءالله عقب نیفتیم. آقای طالبی بزرگوار تشریف فرما خواهند شد. محبت بفرمایید سلامتی مادران تان یا آن عزیزانی که مادرشان به رحمت خدا رفته؛ نثار همه‌ی مادرهای رفته کنیزان صدیقه طاهره صلوات بلند به همراه یک فاتحه بفرستید. (صلوات)

- بسم الله الرحمن الرحيم.

سلام علیکم و رحمه الله. بسو الله الرحمن الرحيم. شادی قلب نازنین حضرت زهرا سلام الله علیها اجماعاً صلوات. (صلوات)
(صحبت‌های متفرقه)

توی حوزه انگیزشی و ضرورت کار؛ دوستان همه خدمت‌تان عرض کردند. من یک روایت کوتاهی را خدمت‌تان عرض می‌کنم که شاید این روایت را نشنیده باشید. تا حالا دوستان ان شاءالله یا یک لپ‌تایی تمهید می‌شود یا یک کابلی، حضرت آقا سه تا جلسه داشتند توی حوزه خانواده تخصصاً، سه تا جلسه، سه تا جلسه که با مسئولین و فعالین حوزه خانواده برگزار شده، یک جلسه با مسئولین نظام برگزار کردند خاصتاً، توی جلسه ششم شورای عالی اجتماعی کشور، سران قوا بودند، یک جلسه با مسئولین محترمی که آمده بودند بنیاد ملی خانواده را تشکیل بدهند توی تاریخ ۹۵/۲/۲۰ جلسه داشتند و یک جلسه هم اخیراً خدمت آقا ۹۸/۵/۲۴ که صبح حاج آقای عباسی هم فرمودند بحث خانواده شد خدمت حضرت آقا؛ آن جا صراحتاً ایشان مباحث‌شان را مطرح کردند. نسبتاً به خاطر این که فضولتاً ما برای کار دیگری رفته بودیم این سه تا جلسه را حضوراً بودیم و خدمت شما گزارش عرض می‌کنیم. خب این که نوع نگاه حضرت آقا به قصه خانواده

چیست؟ یک سه گانه داریم؛ سه گانه خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی، توی تعابیر حضرت آقا برای گام دوم انقلاب اسلامی که می خواهد منجر به ظهور بشود ان شاء الله، توی تعابیر حضرت آقا گشتیم ببینیم حضرت آقا نسبت میان خانواده با خودسازی، با جامعه سازی، با تمدن سازی را چه می دانند؟ و چرا توی این ویدئویی که منتشر شد و پارسال حضرت آقا فرمودند که حفظ نظام مساوی با حفظ خانواده، ما تا حالا حفظ خانواده و حفظ نظام را یکسان نمی دانستیم. حالا خانواده است دیگه، همه ما داریم. تجربه هم داریم، همه هم استاد هستیم. چرا این اتفاق افتاده؟ توی این جلسه اخیر حضرت آقا فرمودند که غرب به صورت قطع و یقین تمدنش را از دست خواهد داد چرا که خانواده را از بین برده است. این ته کلام است ها! همه ما جمع شدیم سر این، سینه می زنیم، گریه می کنیم که دستگاه امام حسین علیه السلام هم ما را تربیت کند هم ما برای انتقال این فرهنگ نقش آفرینی بکنیم. (متفرقه)

حالا اگر یقین بکنیم یکی کمر بسته به این که همین روضه ها را از بین ببرد، همین حس را می خواهد ها! این روضه ها و این محفل را از بین ببرد، رضاخان ملعون است. چه جوری جلوی می ایستیم؟ خون می دهیم؟ همه کار انجام می دهیم؟ آقا عزیز می گفت آن جا حس می گیریم. این جا هم باید حس بگیریم. توی جلسه ششم شورای عالی اجتماعی کشور حضرت آقا فرمود آقایان! این آمارها به ما حس نمی دهد، ما باید خودمان را بگذاریم جای آن پدری که دخترش فراری است و معمولاً به فحشاء کشیده می شود یا جای آن مادری که دو فرزند معتاد در درون خانواده دارد. آقایان دیده اید فرزندان مریض می شود، نوه مان مریض می شود چگونه مستأصل می شویم دست به دعا برمی داریم، به هر پزشکی می رسیم التماس دعا داریم؟ ما باید همین حس را داشته باشیم. آسیب های اجتماعی بزرگترین خطر برای انقلاب و اسلام است. این بزرگترین غم برای هر انسان (آقا تخصیص می زنند) انقلابی متعهد است بلکه برای هر انسانی است. از انقلابی اش هم حضرت آقا کوتاه آمدند. فرمودند این بحث بحث انسانی است، بحث بحث انقلابی گری نیست و نسبت کار را فرمودند که خانواده شالوده جامعه است. سلول بنیادین جامعه است. همه دور هم جمع شدیم که جلوی یک اتفاق را بگیریم. قطار انقلاب دارد می گوید چیک چیک چیک چیک چیک، حرکتش شروع شده، از وادی خودسازی دارد رد می شود، روی پل جامعه سازی می رسد می خواهد به دروازه تمدن به فضل الهی برسد. توی این وادی خودسازی مرحله بعدی اش از روی پل جامعه سازی، پل یک سری ستون دارد دوستان، یک سری ستون دارد، زیر آن یک سیلابی است. آن ستون ها یک سری آجر دارد، سلول بنیادین دارد، سلول بنیادین جامعه چیه؟ خانواده است. با هم بگوییم؛ چیه؟

-خانواده

- (چرت‌ها بپرد) خانواده است. این ستون‌ها وقتی سی سه درصد آجرهایش ریخته باشد چه قدر مقاومت دارد؟ چه قدر؟ آفرین حاج آقا! شما یک ستون؛ یک سومش را بردار، چه قدر مقاومت دارد حاج آقا؟ هیچی مقاومت ندارد. ساده‌اش این است. ستون را الان شما بردارید بکشید آجرهایش از میانش بکشید، یک سومش بکشید بیرون، مقاومتی ندارد. قطار انقلاب با آن سرعت و قدرت به پل جامعه‌سازی برسد برادرها! ما هم سوارش هستیم، اصلاً خیال‌تان راحت! این قطار ما الان پیش‌ران آن هستیم توی لوکوموتیوش نشستیم، راننده‌اش هستیم. این قطار با اهلش می‌رود کجا؟ توی آن سیلاب، سقوط می‌کند، چرا؟ پل طاقت نمی‌آورد فرو می‌ریزد. البته امید هم وجود دارد. به خودمان بیاییم، حرکت بکنیم، قاعده قیام را رعایت بکنیم «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ ثَمَرٍ مُّثْقَلٍ وَفِرَادَى ثُؤْمٍ تَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ» (سبأ/۴۶) یعنی کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم، الان آن جمله خطرناک آقا را می‌گویم. همه دور هم جمع شدیم یک کار خطرناک آقا خواسته، خود خدا قاعده‌اش این است؛ قیام باید نشانه‌اش چی باشد؟ دیوانگی باشد. می‌گوید «ما بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ» این که آمده جلوی خانه من دارد فریاد می‌کشد این دیوانه نیست، این رسول من است، مستظهر به حمایت از من است. دو دوتا چهارتا، صبح آقای عباسی ولدی گفت. گفت شک در خدا می‌کنی؟ نظام محاسبات مان اگر الهی و ولایی نباشد من کوچکتر از همه‌ی جمع هستم ولی اگر نباشد اتفاقی هم نمی‌افتد. جمع‌بندی بکنم. ۹۵/۲/۲۰ خدمت حضرت آقا بودیم حضرت آقا چهارتا مسئله مطرح کردند.

۱- مسئله اول مسئله طلاق و بقاء خانواده است.

۲- مسئله ازدیاد نسل است و جمعیت

۳- مسئله افزایش جمعیت، افزایش ازدواج و کاهش سن ازدواج

۴- مسئله حق زن و آرامش در فضای درونی خانواده

یک تعبیر ظریفی داشتند؛ روایت داریم که «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» زن گل است باغبان خانه‌ات نیست. تعبیر حضرت آقا این بود که زن گل توی باغ است. تو چه چیز هستی؟ تو باغبانش هستی. اگر این طرفش را بخواهیم حساب بکنیم آقایان به جمع زن‌ذلیل‌ها خوش آمدید. این تعبیر اسلام یعنی این که فمینیستی‌ترین نگاهی که الان وجود دارد جلوی لنگ پهن می‌کند. چرا حضرت آقا فرمودند بروید قصه حق زن را احیاء بکنید مبتنی بر جاگیری زن توی نهاد خانواده، چون ما توی نهاد خانواده به زن ظلم می‌کنیم تأمین نمی‌شود، می‌رود یک جایی دیگر خودش را بروز بدهد. محور همه تحولات هم کیه؟ زن است. بعد فرمودند (این تعبیر ظریف را داشتند) من شنیدم گفتند این خانم‌های دولتی

چند وقت پیش آمدند پیش ما به ما گفتند وزیر و وکیل و از این حرف‌ها می‌خواهیم بشویم. من به آن‌ها گفتم زن درس‌خوانده ما توی خانه از دست شوهر بی‌سوادش کتک می‌خورد. مسئله این را حل بکنید. چهار نفر وزیر و وکیل بشوید که مسئله نیست. بعد یک لطیفه‌ای را گفتند واقعی بود. گفتند به من گفتند فلانی از دست شوهرش کتک می‌خورد. دور از چشم شوهرش رفت بیرون کاراته یاد گرفت برگشت خانه، یک روز یک فصل حسابی زدش، من این خبر را شنیدم دلم خنک شد. این یعنی چی؟ یعنی حضرت آقا دو دوتا چهارتا هم که می‌خواهد بکند، مجتهد است‌ها! گفت دلم خنک شد. یعنی مرد اگر ظلم کرد این خانواده را از بین برد دل خنکی یک فقیه هم از آن طرف قصه جلوی تعدی گرفتن را دارد. جمعش کنم بحث را، می‌خواهیم کار بکنیم. حالا ان شاءالله فایلش را جداگانه اگر لب تاب رسید که ارائه می‌کنیم و الا نه، می‌خواهیم کار بکنیم. این داستان‌ها را دوستان، قصه‌ها را کلاً برای تان گفتند، فایل وجود دارد، تک‌تک این فایل‌ها در اختیارتان قرار داده می‌شود ان شاءالله و مطالعه بکنید. با چه مسئله‌ای مواجه هستیم؟ آقا مهم‌ترین مسئله خانواده الان چیست؟ هر کسی یک چیزی ده‌تانیه‌ای سریع بگوید

... -

- دیگه

... -

- دیگه

... -

- دیگه

... -

- چی؟

... -

- خب، معیشت‌شان، دیگه چی؟

... -

- تربیت فرزند، ازدواج تسهیل بشود. دیگه

... -

عنوان فایل: تجربه مانا ۱

- کمبود محبت، دیگه

...

- مسائل دینی فراری شدیم. دیگه

...

- همه‌ی این‌ها، همه‌ی این‌ها را آقا خبر داشت. به دولتی‌ها سپرد، دولتی‌ها از پس آن برنیامدند. پارسال آمد سپرد به کی؟ به هیأت، چرا به هیأت سپرد؟ چرا به شبکه تبلیغ کشور سپرد؟ کسی برایش جواب دارد؟ دولت خیلی بزرگ است. برای تان بخواهم بگویم دولت چه قدر بزرگ است؛ دولت عددش مثلاً هشتصد هزار میلیارد تومان است. میلیارد چه قدر است؟ هشتصد هزار تا چه قدر است؟ این هزینه جاری و فلانش است. توی آن جا حل نشد. چهار میلیون هم کارمند دارد. دم و دستگاه و سی چهل تا دستگاه حوزه اجتماعی و ...، حل نشد. آقا من الغریب الی الحیب نگاهش را برگرداند گفت شماها بیایید وسط، انگاری یک یار ذخیره‌ای دارد، صدای‌شان زده، گفته دیگه آخرین تیر در ترکشم را صدا بزنم بیاید. چرا به هیأت سپرده؟ دلیلش را می‌دانیم؟ ما که نه ساختار داریم نه دفتر داریم نه دستک داریم نه دکان داریم؛ هیچی هم نداریم. پول داریم؟ خیلی پول داریم؟ نه، دیگه چی؟

...

- دیگه چی؟

...

- اجتماعی است، مردمی است. دیگه چی؟

...

- زیر بیرق ائمه اطهار است. دینی است. مال این طرف است. دیگه چی؟

...

- چی؟ بی‌ادعا است. مخلص است. دیگه؟

...

- به خانواده‌ها وصل است. کدام سازمان است که به خانواده‌ها این قدر وصل باشد آقایان؟ شما یک سازمانی را حساب بکنید که این قدر با خانواده‌ها مانوس باشد. جایی سراغ دارید؟ مثلاً وزارت ورزش و جوانان، شورای عالی زنان و خانواده مثلاً، هست؟ پس آقا یک چیزهایی دید. قدمت، قدرت، قوت، درست است؟ (آمد. یک صلوات بفرستید). (صلوات) خب، من چون وقت گذشته بقیه‌اش را می‌گذارم کنار، با چه مسئله‌ای مواجه هستیم؟ این مسائل است آقایان، تک تک این‌ها تقدیم حضور شما می‌شود، مسائل قبل و حین و بعد ازدواج هم استخراج شد. الان داشتیم حرف می‌زدیم، این هم استخراج شده، ما تا ندانیم، توی خانه اگر بچه تب کرد تا ندانیم چه مشکلی دارد می‌توانیم درمانش کنیم؟ نه، باید ببینیم درمان خانگی جواب می‌دهد یا ببریمش دکتر؟ پس باید بدانیم با چی مواجه هستیم. این شبکه مسائل حوزه ازدواج؛ آقایان، مهم‌ترین مسئله‌ای هم که اعلام کرد آقا توی جلسه همین چهارتا است. کلی مسئله داشتیم ایشان چهارتای آن را مطرح کرد. آن حرف خطرناکی هم که حضرت آقا زد و الان به ما سپرده، با همدیگه باید برویم حلش کنیم این است؛ حضرت آقا توی جلسه فرمودند چهل پنجاه، چهل و دو سه نفر بودیم. هر کدام از فحول غیر از بنده فضول، آن جا جمع بودیم. مثلاً ایشان شاخ فیل را کنده، ایشان عاج فیل برایت آورده آقا، ایشان صد جلد کتاب دارد، ایشان پانصد هزارتا شاگرد دارد، حساب بکنید دیگه، ایشان دویست هزارتا جهیزیه داده، آدم‌های این قدری، بعد حضرت آقا فرمود این همه آدم خوب، کار خوب، فعالیت خوب، اثرتان کو؟ این را گوش بدهید همه، سر سال یعنی دو ماه دیگه، می‌رسیم پیش آقا، آقا می‌گوید من پارسال خط فرمان رادادم به شما، بعد از ما یک سؤال می‌پرسد می‌گوید چه آدم‌های خوبی! چه قدر آدم‌های خوبی! چه قدر کارهای خوبی! ولی اثرتان کو؟ توی جلسه برگشت رو به همه کرد حضرت آقا فرمود که اثرتان کو؟ من توی جامعه نمی‌بینم اثرتان را، بعد یک مصداق مطرح فرمودند. فرمودند توی قصه جمعیت یک و هشت دهم ۱/۸ بودیم چهار سال قبل، بنده آمدم گفتم. گفتم هم خودم مقصر هستم، گفتم هم که استغفار هم کردم. به عبارت آخری گفتم که حس بگیرید که بفهمید چه قدر قصه مهم است. الا عده معدودی دخترهای جوان حرف گوش ندادند، تکان نخورد، تغییری حاصل (تحول نه‌ها)! تغییری، ما یک و هشت دهم ۱/۸ هستیم هنوز دو و نیم ۲/۵ نشدیم. این بزرگترین خطر برای انقلاب است برای ایران است. تذکر دادند بعد فرمودند که بروید ببینید گیر کار کجا است؟ چرا حرف به میدان نمی‌رسد؟ (راحت‌ترش) چرا آن‌هایی که خود من را دوست دارند حرف را گوش نمی‌دهند؟ خیلی ساده است. البته یک خبر بد هم به شما بدهم. هفته بعد دولت اعلام کرد یک و شش دهم ۱/۶ هستیم. یک و شش دهم ۱/۶، یک و هشت ۱/۸ دهم یعنی به ازاء هر زوجی دو تا از، بچه از آن‌ها؟؟ دو و یک دهم ۲/۱، اگر از هر زوجی یک و شش دهم ۱/۶ بچه بماند؛ خبر

آن طرفی هم به شما بدهم یک خرده غیرتی بشوید. توی دنیا رشد حرامزاده‌ها شده سی و شش درصد، یعنی برای آخرالزمان آن امامی که برایش داریم می‌جنگیم یک لشکری فراهم آمده که این لشکر ما توی آب می‌رود لشکر او زیاد می‌شود. تا بیست و سه سال دیگر هم جمعیت اربعین که رفتید امسال نصف می‌شود آقایان، این شلوغی را دیدید برای دستگاه امام حسین؟ جمعیت چه می‌شود؟ نصف، مرزهای باز است ها! عین مدارس ولی دیگه بچه‌ای توی آن نمی‌رود. یک و هشت دهم (۱/۸) به دو و نیم (۲/۵) می‌خواهد برسد آقایان، صورت مسئله ما این است. یک و هشت دهم (۱/۸) دو و نیم (۲/۵) بشود. حالا برویم بگیریم پرتقال فروش را پیدا بکنیم. اگر می‌خواهیم به آقا جواب بدهیم باید بگوییم آقا آمدی گفتی دستگاه امام حسین بیاید وسط، همه آمدیم وسط، یک و هشت دهم (۱/۸) ما شده بود یک و شش دهم ۱/۶، کشیدیمش کردیمش یک و هشت دهم ۱/۸، دو ۲، دو و ده، ۲/۱۰ دو و بیست ۲/۲۰، دو و نیم ۲/۵، آقا دو و نیم ۲/۵ شد. آیا می‌توانیم یک چنین عهدی با آقا ببندیم؟ اگر نمی‌توانید ببندید در اندازه یک فانتزی سخنرانی است، استادهای من عرض کردند فرمودند برویم انجام بدهیم ها! ولی آن فانتزی است آقایان، حالا چه کار بکنیم؟ برویم جلوتر، ساز و کارهایی که خود آقا فرمودند. این‌ها را می‌گذارم کنار، ظرفیت‌های اجرایی چیست؟ آقا توی کشور همه‌اش که ما مسئول که نیستیم، بله این صفحه را ببینید. مسئول‌ها چه کسانی هستند؟ از طریق شبکه محلی، از طریق فرایند آموزش؟؟ از طریق نهادها، نهاد رهبری سی و شش هزار تا دانشجو، کمیته امداد هفتاد هزار تا ازدواج دارد، عروس دارد. از طریق فضای مجازی، رسانه، تولید، بازار ولی توی قصه نهادی شبکه‌ها محلی نهاد دین مسجد داریم، هیأت داریم، بسیج داریم، مدرسه علمیه داریم، نمی‌توانیم این‌ها را مثل جنگ فعال بکنیم؟ حالا سؤال این است؛ چرا ما می‌گوییم عامل انقلاب بودیم، جمعیت داریم، قدرت داریم، قدمت داریم، ثروت خودگردان داریم، اعتبار اجتماعی داریم، هیچ کدام از این چیزهایی که من می‌گویم دستگاه دولتی ندارند. پس قدر خودمان را بدانیم، به دستگاه آن‌ها نگاه نکنیم. انقلاب را ایجاد کرده دوره ستم‌شاهی، حتماً می‌تواند انقلاب دوم را هم رقم بزند. راهکارها کدام است؟ حضرت آقا فرمود: افکار عمومی را به دست بگیرید، فرهنگ‌سازی بکنید، پوش مردمی، اراده همگانی، این تحول اجتماعی است. آقا یعنی چه؟ ته این حرف‌هایی که زدی یعنی چی؟ کلی گفتی؟ یعنی آقا روی منبرهای مان بگوییم، متقاعد بکنیم، گره‌های ذهنی را باز کنیم. مسئله جمعیت و ازدواج مسئله اقتصاد صرفاً نیست. حاج آقا؛ شما که فرمودید، جسارتاً چند سال پیش ازدواج کردید؟ شصت سال پیش احتمالاً، درست است حاج آقا؟ با چی ازدواج کردید حاج آقا؟ دارایی شما چی بود آن زمان؟ آن زمان ها! همان زمان را می‌خواهم بدانم.

- پنجاه تا تک تومانی

- پنجاه تا تک تومانی، چه قدر جهیزیه آورده حاج خانم حاج آقا؟

... -

- فراری دادی؟ یعنی الان چندتا فراری دادید حاج آقا؟

... -

- سه تا بچه، حاج آقا، بچه شهر هستید؟ پولدارید؟ مایه دارید؟ لاکچرید؟ بی ام و؟

... -

- نه بابا! الان گیر دادین این گره‌های ذهنی است ها! افتادیم توی خندق، هی توی گل داریم ...، آقا گفتمان سازی، کار دوم چه کار می‌توانیم بکنیم؟ آموزش بدهیم هیأت تراز هیأتی است که هیأتی‌هایش گفتمان ساز هستند. ۲- آموزش دهنده هستند. ۳- توی حکمیت مداخله می‌کنند. راحت تر؛ ماست نیستند. این شهری‌ها را دیدید؟ تهرانی‌ها مثلاً یکی افتاده کف خیابان، همه می‌ایستند این جوری فیلم از او می‌گیرند. روحیه هیأتی می‌گوید اگر یکی خورد زمین فیلم از او بگیر؟ یا دستش را بگیر؟ اگر عروس داماد که نرخ خودمان بیشتر از بقیه است. این را بدانید. نرخ ازدواج کشور توی متدین، طلاق کشور سرانه‌اش جسارتاً متأسفانه درصدش توی بعضی از استان‌هایی که کاملاً متدین هستند، از سرانه عمومی آن شهر بالاتر است. پس نگوییم عامل بقاء خانواده دین است صرفاً، مهارت‌های زیست دینی مهم‌تر از آن تدین عمومی است که داریم. باید یاد بگیریم با هم زندگی بکنیم. واسطه‌گری کار سختی است؟ آقا چند نفر این جا مجرد هستند؟ دست‌ها بالا، نه، حاج آقاها نه، آن‌هایی که سن‌شان بالای هفتاد است نه، آن‌هایی که ...، خب، آقا این جمع این جا چه قدر سخت است؟ حضرت آقا فرمود ۱۷، ۱۸، ۱۹ سن ازدواج است. ما حالا

... -

- بله حاج آقا، من دیگه در این حد ... خودم ...، مشاوره، قرض‌الحسنه، تأمین جهیزیه، تسهیل مراسم، آقا هیأت امام حسین مراسمش را بدهد به یک مؤسسه خصوصی یا بدهد دستگاه اجرایی بگو برگزار کن، چه قدر فاکتور برای تان می‌آورد؟ حضرت عباسی برو به یک سازمان بگو می‌خواهم یک مراسم بگیرم ۱۰ شب همایش است دیگه نه؟ ۱۰ شب همایش بگیرم، چه قدر فاکتور به شما می‌دهد؟ شبی دیگه ۵۰، ۱۰۰ را می‌دهد. هیأت را با چند می‌گردانی؟ همه دور هم هستیم. آیا نمی‌شود ازدواج‌ها همه دور هم باشیم؟ دوره حاج آقا من یادم هست

... -

- (ما با آقای جنتی بودیم) دوره حاج آقا من یادم هست. اهل ده جمع می‌شدند با هم عروسی می‌گرفتند. محبت بود، مودت بود، کت و شلوارهای مان هم این جوری سفت نبسته بودیم کنار بایستیم نوکر بیاید؛ خیلی خوب بودیم با هم، مدرنیته آمد سرمان کلاه گذاشت گفت شیک شوید. حال مان را بد کرده، تهران نمی‌توانی نفس بکشی، مدرنیته، اصلاً یک عاملی به نام هوای بد نداشتیم ها! برویم جلوتر؛ تسهیل مراسم، کارآفرینی، خدمات سفر، تحقیقات، روضه خانگی، تکریم، همیار، آقا این‌ها چیه؟ این‌ها این است؛ نوشته شده (وقت من تمام است) این‌هایی که نوشته شده این جا، حالا این روضه‌ای که برای شما خواندم آدم تهییج کنم بگویم بروید این کارها را بکنید یا یک کاری هم می‌کنیم. آدمم اُرد ناشتا بدهم یا آدمم بگویم آقا نوکرتان هستیم. آدمیم بگویم نوکرتان هستیم. یک صلوات بفرستید. (صلوات) برای این که هیأت تراز انقلابی خواست آقا محقق بشود اول باید یک الگو طراحی می‌کردیم، طراحی کردیم به شما می‌دهیم. شما خطش بنزید بگویند این غلط است این درست است، این می‌شود این نمی‌شود. ۲- گفتمان‌سازی، رصد و شناسایی هیئات؛ دعوت کردن، آمدن نشستن با هم حرف زدن، نشستیم داریم با هم حرف می‌زنیم. گام بعدی چیه؟ ما خدمت‌تان هستیم. آموزش و توانمندسازی، طالبی! این واسطه‌گری که گفتی یعنی چی؟ به من بگو، ما نداریم توی شهرستان مان، آقا ما رفتیم گشتیم با اجازه شما، پانزده تا مجموعه توی کشور که کارشان واسطه‌گری بوده دعوت کردیم دور میز هم جمع شدیم. گفتیم شما چه قدر مخاطب دارید؟ گفته ما صد هزارتا کلاً توی کشور، گفتیم من یک مجموعه سراغ دارم ده میلیون مخاطب دارد. چند میلیون؟ ده میلیون، مشتری خوبی است؟ گفته از خدایم هست. گفتند حاضری بیایی به این‌ها یاد بدهی؟ این‌ها اسمی برای نبات و روغن و فلان یک قسمت‌شان توی یک سامانه‌ای نود و سه هزارتا هستند، رسمی‌اش پنجاه و سه هزارتا هستند. پنجاه هزارتا هستند. حزب‌اللهی انقلابی فلانش پنج هزارتا هستند. پنج هزارتا هزار نفر پنج میلیون نفر، مشتری شدیدی دیگه نه؟ گفته ما نوکرتان هستیم. ما پای کار هستیم. پس نگران تک‌تک چیزهایی که گفتیم نباشید. می‌خواهیم با همدیگر عملیات مشترک انجام بدهیم. نمی‌خواهیم همه‌ی مسائل را الان با هم حل کنیم ها! می‌خواهیم به آقا بگویم آقا جان! پیغام تو را شنیدیم. قربانت هم برویم. درد خودمان هم بود شما گفتید. همه ما ایستادیم که دفترچه زدیم؛ بچه عزب اوقلی‌ها، تو بیا این طرف، تو چته ازدواج نمی‌کنی؟ من کار ندارم، من پول ندارم، من فلان ندارم، اشکالت چیه؟ مشکلتش را چه جوری رفع کنیم؟ بسم الله الرحمن الرحیم، یک، دو، سه، چهار، آقا قول می‌دهیم سه سال دیگر بچه عزب بالای بیست سال توی هیأت‌ها نداشته باشیم. آن گفتیم و «مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ»؛ یعنی چی؟ یعنی

تحول، یعنی دیوانگی، آقا اگر این حرفی که دارم می‌زنم معنایش دیوانگی است؛ یعنی تحول ایجاد می‌کنیم، یعنی خواست قیام الهی، و الا آقا ما قول دادیم از این صدهزارتا جوان‌مان تا سه سال دیگر ان شاءالله یک پانصدتا را ان شاءالله، آقا می‌گوید که به درد ...، برویم صفحه بعد. چی داریم برای شما؟ این بخشی است که به درد شما می‌خورد خدمت‌تان ارائه می‌کنم. مرکز پشتیبان خانواده، شتاب‌دهنده، تسهیل‌گر، یکپارچه‌ساز خدمات، آن حرف‌هایی که زدم؛ یک مجموعه را جمع کردیم، یک مسیر برای دسترسی شما گذاشتیم گفتیم شما برسانید به دست چه کسی؟ خانواده‌ها، اراده فعال شدن از شماها، خدمات و حمایت از سمت ما بسترسازی، نهضت اجتماعی درست کنیم. یعنی چی؟ یعنی شما می‌خواهید واسطه‌گری شروع بکنید، من بلد نیستم. می‌گویم ایده و روشش را به تو می‌دهم. ۲- کتاب منبری که حاج آقا روی منبر باید در موردش حرف بزند، کلیبی که باید پخش بکنید، آن هم به تو می‌دهم، نگران نباش. ۳- آقا من آدم ندارم. آدم‌های من بلد نیستند؛ آره من دوره چی می‌گذارم برایت؟ تربیت مدرس، دوره تربیت مشاور، یعنی چی؟ یعنی شما استاد برای ما نمی‌فرستید؟ آقا کدام یکی از شما هستید توی هیأت‌تان کارشناسی ارشد و دکترا نداشته باشید؟ دستش برود بالا، توی ده ما، اسم ده ما ده‌کهنه است. نگاه کنید ده‌ش هم کهنه است. توی لامرد فارس است. شانزده‌تا دکترا داریم. حالا پشت کوه هستیم ولی با هلوکوپتر این طرف و آن طرف می‌رویم. شانزده‌تا دکترا داریم. توی کدام یک از هیأت‌های شماست که درس خوانده وجود نداشته باشد؟ جمع کنیم. مشاوره، آموزش، تبلیغ، محتوا، محصولات، اطلاع‌رسانی، فن‌آوری، رسانه، و نکته آخر؛ می‌خواهیم این واحد را راه بیندازیم. مجوز می‌خواهیم، نوکرتان هم هستیم. شما قیام بکنید مجوز را می‌آوریم در خانه‌تان، این‌ها یعنی چی؟ یعنی این چند صفحه‌ای که دیگه می‌گویم. مفرداتش آیات، روایات، منبر، درسنامه، سخنرانی، اگر ایده می‌گوییم چه ایده‌هایی به شما می‌دهیم؟ هر ایده‌ای که می‌خواهید. شما اصلاً زنگ بزنید بگویید ما مشکل‌مان این است. ما از شما پشتیبانی می‌کنیم. یک تیم سیصد نفره آدم‌های ایده‌پرداز و خلاق کمک می‌کنند. شبکه امور نمایشگاهی؛ بگویید نمایشگاه می‌خواهیم بگذاریم. دوره نمایشگاهی داری؟ آره دوره نمایشگاهی داریم. این دور نمایشگاهی در اختیارتان قرار داده می‌شود. یک جا دست‌مان می‌رسد چاپ می‌کنیم یک جا هم دست‌مان نمی‌رسد. فایلش را به شما می‌دهیم دیگه شما زحمت گرافیک نکشید.

- دورت بگردم.

- دورتان بگیردم. شبکه آموزش دارد، شبکه خالی‌بندی دارد، گفت پتیشو بدم، اینشو بدم، آنشو بدم، ان شاءالله به فضل الهی برادرها همه با همدیگه باشیم یک اتفاق بزرگ رقم می‌خورد. یک عدد هم ۳۱۳، عدد ۳۱۳ به ۱۰۰۰۹۷ بفرستید

این بسته خدمات که از طریق مشعر در اختیارتان قرار داده می‌شود ان شاءالله، من از آقای آفروش خاصاً حاج رحیم آقا ...

- اگر صلاح می‌دانید دوستان شماره شما را هم می‌خواهند.

ج: می‌دهم. روی واتساپ جواب می‌دهم. روی گوشی مثل الان دارم خالی‌بندی می‌کنم. ۹۱۲۵۵۱۴۱۰۲ حالا یک پلتفرم داریم جلوتر به شما معرفی می‌کنم

- حالا وصف العیش نصف العیش

- ۹۱۲۵۵۱۴۱۰۲ از شماره غیر مجتبی طالبی این سامانه‌ای که می‌بینید عدد ۳۱۳ را بفرستید بچه‌ها با شما از طریق

مشعر هماهنگ می‌شوند، ارتباط می‌گیرند و ان شاءالله به فضل الهی برویم جلو

- آقا مجتبی؛ دوستان می‌گویند که به جای واتساپ ایتا وصل کنید بهتر است.

- آقا ایتا دارم، بله دارم، اوتا دارم، همه چی دارم ولی صورت مسئله‌ام این است که

- حمایت از تولید داخلی کنید بهتر است.

- آره، حتماً ایتا را داریم، چک می‌کنیم. این شماره را بگیرید کمک می‌کنند. یک نکته هم آخر بگویم؛ یک استودیو این بچه‌ها کنار زدند. شما الان چند نفر هستید توی این سالن؟

- ...

- کل مهمان‌ها حدود هشتصد نفر هستند. خب؟ چندتا هیأتی داریم کلاً توی کشور؟ فرض بگیرید پنجاه هزارتا، ظلم

نیست به گوش بقیه این حرف‌ها نرسد؟ خداییش ظلم است دیگه؛ بیایید یک کمک بکنید، یک سری ویدئو بچه‌ها دارند

تهیه می‌کنند با کمک خود شماها که شماها کمک می‌کنید همین مباحثی که امروز توی جلسه شنیدید به گوش بقیه برسد.

با مداح‌ها و چهره‌ها رفتند، با هیأتی‌ها هم دارند می‌روند این که الان دارید می‌بینید. کمک بکنید که ویدئوهایی تولید

می‌شود همین حرف‌ها به سراسر کشور انتشار پیدا می‌کند.

(پخش کلیپ)

این که دیدید مداح بود. هیأتی‌ها هم با هم کار (یک صلوات بفرستید) این‌ها در جلسه چهل روز؟؟ دیگر حضرت آقا؟؟

توی جلسه مردادماه هدیه شد خدمت حضرت آقا تابلو امضا، این‌ها هم هدیه می‌شود منتها از هدیه فانتزی و هنری لبیک

هدیه عملیاتی ...

- آقا مجتبی

- نه دیگه تمام شد. عذرخواهی می‌کنم. ببخشید. حلال کنید.

- (صلوات ختم کنید) آقا مجتبی مخلصیم. یک زحمتی؛ می‌شود روی پا بایستید؟ خدا خیر یه شما بدهد به همه عزیزان، جمه خواب‌ها از بیدارها مشخص بشود. به نام نامی قائم آل محمد. لطفاً نشینید. تا دوستان تشریف می‌آورند برای تجربه مانا یک پنج تا ذکر یاحسین بگوییم یک ذره جان بگیریم. بخش تجربه مانا را ان شاءالله روی پا بایستید، همه خواب‌ها ان شاءالله بیدار شوند و جز ذکر حسین هیچ چیز در این عالم شفا نیست / از جان‌مان فریاد می‌زنیم ابد والله یازها ما ننس حیسنه. از جان‌مان بدانند مگر مرده باشیم و هزاران بار مرده باشیم که این بیرق بر زمین بماند. به نیت همه شهداء خصوصاً شهید محمدحسین حدادیان که این ظلمت علی‌تابنده به مرگ رسید الحمدلله قاتل و آمر به قتل محمدحسین به نیتش پنج تا یا حسین بلند ان شاءالله با همدیگه خواهیم گفت به نیت همه‌ی شهداء. یاحسین یاحسین، به نیت پدر و مادران بلند بگویید. یاحسین یاحسین یاحسین، لبیک یاحسین لبیک یاحسین، لبیک یاحسین، ان شاءالله هر کسی بلندتر صلوات بفرستد زودتر حرم عقيله بنی هاشم را زیارت کند. (صلوات) ماشاءالله، دورتان بگردم. خدا خیرتان دهد. دعوت می‌کنم در بخش تجربیات مانا از برادر عزیزمان جناب آقای جهاندار مسئول محترم طرح خانه‌های نورانی و همین‌طور از برادرمان جناب حاج آقای منفرد عضو محترم شورای راهبردی مجمع فعالان جمعیت در ارائه طرح شکوه مادری که این دوستان تشریف بیاورند هر سریعتر ان شاءالله ارائه‌ها را خدمت شما انجام بدهند. حاج آقای قمی هم رسیدند. ما بخش تجربه مانا را دو قسمت کردیم. چون حاج آقای قمی فرصت نبود بیایند. ان شاءالله خدمت ایشان هستیم. بعد تجربه مانا بخش دوم را ان شاءالله تقدیم خواهیم کرد. به روح پدر بزرگ مادر بزرگ‌های‌تان صلوات بلند بفرستید. (متفرقه)

- خب بسم الله الرحمن الرحيم. اجازه بفرمایید با معرفی طرح خانه‌های نورانی؛ برادرمان جناب آقای جهاندار مسئول محترم این طرح که چه هست؟ چرا این اتفاق افتاد؟ چرا به این جا رسیدیم که خانه‌های نورانی انجام بشود؟ توضیحش و این که تا الان تا چه مرحله‌ای بحث خانه‌های نورانی پیش رفته و از این پس چه سرمایه و ظرفیتی را از هیأت مطالبه می‌کند؟ من چون وقت کم است سؤالات را من تیتروار گفتم خود عزیزان توضیح بدهند. چه مطالبه‌ای را از ظرفیت هیأت دارد برای این که خانه‌های نورانی فراگیر و ان شاءالله با خیر و برکت همراه باشد

- بسم الله الرحمن الرحيم. شادی دل حضرت زهرا یک صلوات بفرستید. (صلوات)

عرض سلام و ادب و احترام و خداقوت خدمت همه، خیلی خوشحال هستم و خدا را شاکر که چنین جمعی تشکیل شده و چنین دوستانی هستند که زحمت این جمع‌ها را می‌کشند و ماها را کنار هم جمع می‌کنند که بتوانیم اتفاقات مهم و مثبت را ان شاء الله رقم بزنیم. بنده جهاندار هستم؛ از کاشان خدمت دوستان رسیدم و قرار شد تجربه‌ای که در خصوص خانه‌های نورانی داشتیم را ان شاء الله امروز یک اشاره‌ای به آن بکنیم و ببینیم توی ظرفیت هیأت می‌توانیم چه کار بکنیم؟ چندین سال پیش بود، ما با تعدادی از دوستان مان کار تشکیلاتی انجام می‌دادیم، عضو بسیج دانشجویی بودیم و هیأت دانشجویی توی دانشگاه کار می‌کردیم. توی همان دوران دانشجویی هم ازدواج کردیم. تشکیلات که تمام شد، دوران دانشجویی که به سر رسید فارغ‌التحصیل شدیم، خب آمار طلاق و اتفاقاتی که حول محور خانواده رخ می‌داد؛ صد و هفتاد و پنج هزارتا طلاق سالانه و این حرف‌ها، یک ذره ما را ترساند که خب آقا اگر خانواده در حلقه اول شکل گرفت در زمینه تحکیم و تعالی ما الان باید چه کار کنیم؟ چون می‌دیدیم حتی آسیب‌هایی که به خانواده‌های مذهبی وارد می‌شد. خب اولش رفیق بودیم با هم، رفت و آمد خانوادگی داشتیم، یک ذره که گذشت دیدیم آقا این رفت و آمدهای خانوادگی خیلی راه‌گشا نیست، به درد هم آن‌چنان نمی‌خورد و مفید نیست. اگرچه تجمع اصحاب حق به قول حضرت آقا هست ولی کارکرد مثبتی نداشت. گفتیم چه کار کنیم؟ تکیه به قرآن «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶) خودت، خانواده‌ات، هر کاری می‌خواهی بکنی بسم‌الله، یک ایده‌ای به ذهن ما زد؛ گفتیم ما که دور هم جمع می‌شویم خانوادگی که، آرام آرام هم داشت به سمت سختی می‌رفت، شام باید تدارک می‌دیدیم و میوه و این داستان‌ها، گفتیم آقا ما یک ایده‌ای مطرح می‌کنیم یک جلسه قرائت قرآن زوج‌های جوان تشکیل می‌دهیم با همین چهار پنج‌تا خانواده‌ای که با هم رفیق هستیم. با پنج‌تا خانواده این جلسه را تشکیل دادیم. دوتا الزام اولیه هم داشتیم. ۱- سادگی که این جلسه ساده ساده باشد که هیچ سختی مانع از برگزاری اصل جلسه نشود و ۲- حفظ حرمت‌ها و قواعد ارتباط اسلامی، یعنی فضای خانوادگی ما خدای ناکرده مختلط نشود. فضا را مدیریت بکنیم. خب، جلسه شکل گرفت؛ ما اول فقط گفتیم می‌نشینیم دور هم قرآن می‌خوانیم. یک هفته در میان تعهد هم دادیم که آقا ما پنج‌تا خانواده علم این جلسه روی زمین نماند. حالا فلانی نیست، جلسه تشکیل نمی‌شود و این هفته نشود و آن هفته نشود هم نه، یک هفته در میان هم شروع کردیم که سخت نباشد. ما خانوادگی دور هم جمع شدیم و شروع کردیم جلسات یک هفته در میان قرآن خواندن، این ابتدای تشکیل جلسه ما بود به همین سادگی تشکیل شد. خب، وقتی که آدم‌ها دور هم جمع شدند ما شروع کردیم جلسه چهارم، پنجم، گفتیم خب ما که جمع می‌شویم قرآن

می‌خوانیم تجوید هم کار کنیم، برویم جلوتر تفسیر هم کار کنیم، برویم جلوتر خب نهج‌البلاغه هم که باید بخوانیم، چه اتفاقی افتاد؟ یک سؤال پیش آمد که اگر خانواده‌ای می‌خواهد نورانی باشد خانه‌ای می‌خواهد نورانی باشد یک سری الزامات می‌خواهد. ما باید توی جلسه خانه‌های نورانی پردازیم به الزامات یک خانواده ایرانی اسلامی که در تراز انقلاب و اسلام باشد. این کلیات داستان است.

-البته من این نکته را عرض کنم جزو شروطی که فرمودند (شما کاشانی هستید دیگه)؟

- بله، اصلاً نه ولی ده سال است کاشان زندگی می‌کنم. ان شاء الله ما را می‌پذیرند به عنوان یک کاشانی

- بخش که شام داشت و پذیرایی، آن را از ذهن‌تان حذف کنید ها! اگر کسی قرار شد این طرح را با آقا ادامه بدهند شام و این‌ها هم هست. نباید بگویید ترس از شام و ... کاشانی‌ها حساس هستند به مهمان؟؟ ناراحتی شان قرار نگیرد. الان در چه حالی هستید در طرح؟

- بعد از چهار سال ما چهارتا خانه و پنج تا خانواده بدون فرزند شروع کردیم، الان تقریباً پنجاه تا خانواده هستیم با حدود پنجاه تا فرزند، اگرچه

تعدادی از زوج‌های مان هنوز بچه‌دار نشدند. توی این سیری که اتفاق افتاد ذیل این گردهمایی مؤمنانه به تعبیر ما که شکل گرفت برکاتی جاری شد که حالا من توی طول مسیر خدمت شما یکی یکی بگویم. ما کنار هم که جمع شدیم چه اتفاق‌هایی رخ داد. ما یک حلقه بیرونی داشتیم که ارتباط‌های بیرونی داشتیم که همه ما اهل هیأت بودیم. هیأت‌های دیگر توی شهر عضو بودیم رفت و آمد داشتیم اما جمع وقتی که آمد ذیل محور خانواده و گفتمان خانواده و فرزندآوری و فرزندپروری و الزامات یک خانواده، اتفاقاتی افتاد که من الان خدمت شما باید عرض بکنم. خب تشکیلات ما شکل گرفت. یک استادی یک سفارشی به ما کرد ما این را آویزه گوش مان کردیم. آقای واجدی استاد ما خدا حفظ‌شان بکند ایشان گفت که از کم شروع کنید به زیاد برسید. از زیاد شروع نکنید بعد کم بشوید دلسردی می‌آورد ها! ما اصراری به این که آقا جمعیت مان زیاد بشود اصلاً نداشتیم. این که آقا شلوغ بشود جلسه، چون این شلوغ بودن از کیفیت کار کم می‌کرد، هم فکر نمی‌بودیم نمی‌توانستیم کار انجام بدهیم. جلسه ثابت ما پاتوق اصلی اهالی خانه‌های نورانی شد. تا الان توی این چهار ساله که ما کار می‌کنیم صد و چهل تا جلسه ثابت گرفتیم. فراخور هر زمان، پایه اصلی مان قرائت قرآن است و استفاده از فیض قرآن، حالا بسته به موقعیت زمانی هم که توی آن قرار داریم یک سری آیتم‌هایی اجرا می‌کنیم. از تجوید و تفسیر و کتاب‌خوانی و مطالعه جزوات مفید و این‌ها بگیرید تا اکران فیلم و مستند و کرسی آزاداندیشی و

یادواره شهداء و غیره، همه‌ی این‌ها توی این باکس جلسه ثابت یک هفته در میان ما اتفاق می‌افتد. این اصلیت جلسه ما است.

- عذرخواهی می‌کنم. چون جمع حاضر همه خادم هیأت هستند، همه آیت‌هایی که فرمودید روضه توش نبود.

- الان می‌رویم جلوتر می‌رسیم دیگه، بله، ببینید اصلاً اصالت ما حالا می‌گوییم ما به کجا برمی‌گردیم و همه این‌ها از کجا شکل گرفته؟ خدمت شما عرض می‌کنم. آمدیم جلوتر، ما نه به کسی گزارش می‌دادیم نه از کسی پول می‌خواستیم. گفتیم خب مخارج مان را از کجا تأمین کنیم؟ یک صندوق تعاونی شکل دادیم گفتیم آقا خودمان خدا را شکر یک درآمدی داریم، یک سهمی از درآمد مان را اختصاص بدهیم برای گرداندن این جلساتی که حول محور قرآن است و اهل بیت، یک سهم صندوق تعاونی تشکیل دادیم، این سهم‌ها را شروع کردیم به جمع کردن، جلسات مان را از این تأمین کردیم. آمدیم جلوتر گفتیم برای هر جلسه‌ای یک ایده فرهنگی بچسبانیم به جلسه، چه کار بکنیم؟ اول گفتیم آقا خانه‌های مان را نامگذاری می‌کنیم به نام اهل بیت، این اسمش را گذاشت بیت‌الزهراء، او گذاشت بیت‌الحسن، این گذاشت بیت‌الحسین، این باعث شد که این اسم هم برکت بدهد هم ما یک ذره حواس مان را جمع بکنیم که دیگه توی خانه‌ای که به نام حضرت زهرا متبرک است گناه اتفاق نیفتد، ترک نماز اتفاق نیفتد. آمدیم جلوتر؛ آبسردکن‌های خانه مان (من عکس‌هایش را آورده بودم، این جا خیلی فضا مناسب نبیست که این عکس‌ها را ببینیم) آبسردکن‌های خانه مان را تبدیل کردیم به سقاخانه، از این کاسه‌های سقاخانه‌ای گذاشتیم. یک لیبل چسبانیدیم طرح سقاخانه گرفت. این‌ها ایده‌های کوچولویی بود که آرام آرام به جمع ما برکت داد. هر خانواده یک شهیدی را انتخاب کرد که شهید محوری آن خانواده شد، با او ارتباط گرفتند، تمثالش را تهیه کردند و اتفاقات این جوری، جلوتر که آمدیم؛ جلسه که تشکیل شد یک ذره که آمدیم جلوتر رسیدیم به ماه محرم، خب گفتیم چه کار کنیم؟ بچه‌ها گفتند آقا ما همه اهل هیأت هستیم دیگه، می‌رویم هیأت‌های خودمان، گفتیم آقا الان وظیفه ما که جمع خانواده‌ایم نسبت به هیأت چیست؟ برگشتیم به اصالت‌ها و گذشته‌ها؛ دیدیم ما باید احیاء کنیم سنت روضه‌های خانگی را که اگر برکتی هم اتفاق می‌افتد و ما دور هم جمع می‌شویم تا متبرک نشود به نمک روضه ابی عبدالله قطعاً برکت نخواهد کرد. ما روضه‌های خانگی را که شروع کردیم بزرگواران؛ با جلسات بسیار ساده یک منبر و یک روضه ساده و یک شام نذری این قدر درخواست روضه‌ها زیاد شد، دوستان می‌خواستند توی خانه‌شان برکت روضه را بچسبند که ما مجبوریم جلسات را هفتگی کنیم. الان جلسات یک هفته در میان ما توی طول سال تبدیل شده به جلسات هفتگی محرم. صفر و فاطمیه، از این جا بحث ارتباط ما با روضه‌های خانگی بیشتر شد که قطعاً معتقدیم اگر برکتی هم

هست به همین روضه‌ها و به همین گریه‌هایی است که بر ابی‌عبدالله هست. خب حالا ما خانوادگی که جمع می‌شدیم روضه می‌گرفتیم ببینید همه‌ی این‌ها دوستان حرف همین است که این جمع‌شدن کنار همدیگه فضا و فرصت ایجاد می‌کند. آدم‌ها که (می‌گویند امام می‌گفت حزب‌اللهی‌ها بنشینند دور هم چایی بخورند) خب این چایی خوردن یک بستری فراهم می‌کند که من و شما بتوانیم توی آن کار انجام بدهیم. وقتی که من با همسر و فرزندم توی روضه خانگی شرکت می‌کردم این یک فضایی ایجاد می‌کرد که ما می‌توانستیم منشأ خیرات بشویم که حالا خیراتش را جلوتر خدمت‌تان عرض می‌کنم.

- خیلی متشکرم. حاج آقا؟؟ توضیحات اولیه را دادید.؟؟ حاج آقای منفرد باشید

- حتما

- بحث شکوه مادری را هم یک توضیح کوتاهی بدهند، معرفی کنند، خدمت‌شان باشیم ان شاءالله که اصلاً شکوه مادری به چه معناست؟ ضرورتش چیست؟ و ظرفیت هیأت برای؟؟ بهتر چه خواهد بود؟

- بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم و رحمه الله

- عليكم السلام

- خیلی ممنون از این که این وقت را در اختیار ما قرار دادید. بنده سه تا نکته را می‌خواهم راجع به شکوه مادری عرض بکنم خدمت شما. ۱- یک اشاره‌ای به عقبه فکری این طرحی که در دستور مجمع فعالان جمعیت قرار گرفته، دوم توضیح مختصری راجع به خود طرح خدمت‌تان عرض می‌کنم و سوم این که نقش هیئات محوری می‌تواند در بهبود و اجرای بهتر این طرح چی باشد؟ راجع به عقبه فکری این طرح بخواهم عرض بکنم در مورد قصه پرغصه جمعیت، حالا دوست عزیزی هم که داشتند صحبت می‌کردند اشاراتی داشتند. من خیلی کوتاه و گذرا عرض می‌کنم. ما در دهه شصت نرخ باروری که داشتیم در جمهوری اسلامی ایران؛ یعنی میانگین تعداد فرزندان هر خانواده شش نفر بود. اواخر دهه شصت به این رسیدیم که یک سیاست‌های کنترل جمعیت را بیاوریم پیاده بکنیم و در یک چشم‌انداز بیست ساله، عنایت بفرمایید، بیست ساله قرار بود به نرخ باروری چهار برسیم؛ یعنی هر خانواده چهار فرزند داشته باشد منتها با اعمال حداکثری سیاست‌های کنترل جمعیت ما در یک بازه زمانی چهار پنج ساله به نرخ باروری چهار رسیدیم و در دهه هشتاد ما به زیر سطح جانشینی رسیدیم. سطح جانشینی هم یعنی دو ممیز یک ۲/۱ هر خانواده، هر پدر و مادر به جای خود یک فرزند بگذارند. خب الان سناریویی که مطرح است سه تا سناریو برای کشور ما مطرح است؛ در آینده چه اتفاقی قرار است بیفتد خوشبینانه‌ترینش این است که ما در سال ۱۴۳۰ جمعیت هشتاد میلیونی مان حدود سی میلیون می‌شود و این سی میلیون

بخش عظیمی‌اش را جمعیتی تشکیل می‌دهند که مصرف‌کننده هستند؛ یعنی زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال هستند و نیروی کار ما متأسفانه بخش

- حداقلی می‌شود

- حداقلی این جمعیت را به خودش اختصاص می‌دهد. خب خیلی مباحث مطرح است. من دعوت می‌کنم همین جا توی این کمیسیون جمعیتی هم که قرار است برگزار بشود حتماً دوستان شرکت بکنند. مباحث ان شاءالله مفید خواهد بود. این جا است که حضرت آقا می‌فرمایند وقتی من به مسئله جمعیت فکر می‌کنم تنم می‌لرزد. خب مباحث مختلفی مطرح می‌شود که چه باعث شد که ما یک سقوط جمعیتی بی‌نظیر در دنیا داشته باشیم؟ عوامل مختلفی مطرح می‌شود. مهم‌ترین و شالوده‌همه‌ی این عوامل را ما می‌توانیم چه بگوییم؟ این که فرزندآوری این قدر ما تبلیغات کردیم برای کنترل جمعیت که فرزندآوری متأسفانه به یک ضدارزش تبدیل شد و عرض بکنم که یکی از عواملی هم که در ادامه این هست این است که بانوان ما؛ حالا سیاست‌های و مباحث ارزش‌های فمینیستی خیلی توی جامعه مطرح شد. ما یک وقتی (کاش یکی از اساتیدمان بیاید این جا یک بحثی را ارائه بدهد درباره تحصیلات عالیه زنان که ما در جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا الان چه قدر ما رشد داشتیم و درصد زنانی که دارند در مقاطع عالی تحصیل می‌کنند از مردان مان بیشتر شده و بعد این‌ها موقع ازدواج بحث هم‌کفو بودن مطرح می‌شود، ازدواج‌ها معمولاً دیگه شکل نمی‌گیرد. چون خانم فوق لیسانس دارد، دکتر دارد، آقا الان دیپلمه، فوق دیپلمه، بگذریم از همه‌ی مباحث؛ یکی از مسائلی که مطرح شد زنان دیگه برای‌شان ارزش ندارد الان در جامعه ما، حداقل در بخشی از جامعه ما که بگویند ما مادر هستیم و داریم وظیفه بچه‌داری را انجام می‌دهیم. خب عکس این دقیقاً در سیاست‌های دینی ما هست، در دستورات دینی ما هست، بزرگان ما که مهم‌ترین نقش و وظیفه زن را در کنار، ما نفی نمی‌کنیم نقش‌های اجتماعی و این‌ها، الگو و نقش مادری را به عنوان یک نقش تکوینی و به عنوان یک نقش مقدس برای خانواده،

- من شرمندهام. اگر صلاح می‌دانید برویم توی مطلب به خاطر این که وقت

- بله، این حالا عقبه فکری که ما باعث شد برای این طرح شکوه مادری بریزیم. طرح چیه؟ این است که ما می‌گوییم اساساً زنی که رفته، حالا زن‌های جوان را ما انتخاب کردیم، جوان هم یعنی زیر چهل، چهل و پنج سال که دارای حداقل چهار فرزند هستند؛ این‌ها هم هر کدام عقبه علمی دارد که چرا چهار را انتخاب کردیم و این‌ها؟ این‌ها را ما شناسایی بکنیم در مرحله اول، یک تندیس تهیه کردیم که این تندیس این جا هست می‌توانید ببینید. ما مادرها را شناسایی می‌کنیم

و توسط مردمی‌ها و مجموعه‌های مردمی، این تأکید ما است. خط قرمز ما توی این طرح این است که حکومت پای اجرای این طرح نیاید. ما نمی‌خواهیم مسئله جمعیت به یک مسئله حکومتی تبدیل بشود. این‌ها بروند با این خانواده‌ها ارتباط بگیرند، تندیس را تقدیم می‌کنند، تجلیل از این خانواده‌ها بشود، سؤالات و نوع گفتگویی که با این خانواده‌ها مطرح می‌شود؛ چون در بحث جمعیت تا می‌گوییم بچه زیاد کنید، خب پول نداریم. پوشک الان این جوری شده و مسائل و شبهات مختلف، بهترین کسانی که می‌توانند این شبهات را جواب بدهند همین کسانی هستند که تجربه فرزندآوری بیشتر را تجربه کردند. خیلی وقت‌ها ما همین سؤال را آمدم علمی جواب دادیم، آن مادر آمده گفته اتفاقاً من وقتی بچه اولم به دنیا آمد برکت توی زندگی من آمد.

- شیرین‌تر هم هست

- بله، خانه‌دار شدیم. بچه دوم آمد ماشین‌دار شدیم. خیلی راحت‌تر این‌ها را جواب می‌دهند و مخاطب با این‌ها ارتباط بیشتری برقرار می‌کند. پس گام اول طرح شناسایی این‌ها است و بعد توسط مجموعه‌های مردمی تجلیل از این‌ها و نوع گفتگویی که طراحی کردیم و بعد پیوست رسانه‌ای می‌خورد این طرح و توی الگودهی هم ما باید یک نکته‌ای را توجه داشته باشیم. متأسفانه در این حدود ده‌ساله الگوهایی که معرفی شدند از انگشتان یک دست کمتر هستند. مادرانی که تعداد فرزندان بیشتری داشتند و موفق بودند. و معمولاً هم وقتی الگو محدود می‌شود می‌روند ایرادهایی نسبت به آن شخص یا آن مصداق می‌گیرند و سعی می‌کنند الگوی ما را زیر سؤال ببرند. اما اگر ما الگوها را بیاییم متعدد بکنیم؛ یعنی شما فرض بفرمایید ما هزارتا خانواده‌ها را بیاییم معرفی بکنیم که این‌ها مادران جوانی دارند دارای چهار فرزند یا بیشتر هستند. خود این فضا شکسته می‌شود.

- الان عذرخواهی می‌کنم. شما جامعه آماری دارید یا قرار است از هیأت‌ها و تشکل‌های مردمی به جامعه آماری برسید؟

- ما می‌توانستیم برویم، همین الان هم امکانش فراهم است. ریزنی‌هایی کردیم. فرض بفرمایید با سازمان تبلیغات یا با حوزه‌های علمیه یا آموزش و پرورش که یک جمع نخبگانی هستند مثلاً معلمان، بگوییم خب خانم‌های معلمی که زیر چهل سال هستند چهارتا فرزند دارند. یا توی مثلاً ارگان‌هایی که اسم بردم. این شناسایی خیلی راحت با سامانه‌های شان انجام می‌شود و بعد ما می‌رویم سراغ این‌ها، منتها آن سمپاد؟؟ اجتماعی را ندارد. وقتی تک‌تک هیئات ما، گروه‌های مرجع مردمی که دارند خودشان بیایند بروند در محل‌شان آن موقعیت جغرافیایی که دارند این‌ها را شناسایی بکنند و البته باید خانواده‌هایی باشند که حالا دچار آسیب‌های اجتماعی خودشان یک وقت نشوند. یعنی شرایط یک الگو را داشته

باشند و بعد بین این‌ها حالا کسانی که شاخصه‌های الگوی موفقیت داشته باشند بشود این‌ها را رسانه‌ای‌تر کرد می‌توانیم ما بیاییم توی سطح ملی هم این‌ها را مطرح بکنیم. خصوصیتش این است که یکی از فوئادش حداقل این است که ما می‌توانیم آن ترفند ما بشماریم را این‌جا مطرح بکنیم. از این فضا خارج بشویم که این حداقل تصور و القاء عمومی برداشته بشود که هر کسی بچه بیشتری دارد امکانات کمتری دارد، رفاه کمتری دارد، بچه‌هایش ممکن است موفقیت بیشتری نداشته باشند. توی نوع گفتگویی که ما با خانواده‌ها طراحی کردیم دقیقاً این شاخصه‌ها بیرون می‌آید که اتفاقاً یک خانواده ...، نیازی هم نیست آن مادر حتماً حالا یک نقش اجتماعی داشته باشد. اصل این مادربودن و این که آن خانواده‌ها یک خانواده با ویژگی‌های خوب است. بچه‌اش تحصیلاتش را دارد، موفقیت‌های ورزشی‌اش را هم دارد، مثل همه‌ی خانواده‌ها دارند زندگی می‌کنند اتفاقاً ممکن است مؤلفه‌ها و موفقیت‌هایی داشته باشند که خانواده‌هایی که فرزند کمتری دارند این‌ها را ندارند. حالا نقش هیئات چه می‌تواند باشد؟ من عرض آخرم این است. هیئات به نظرم به عنوان یک پایگاه اجتماعی مردمی که به بدنه مردمی به صورت مستقیم و بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای متصل هستند. خود این عزیزان می‌توانند بیایند حالا هر کدام از مسئولین هیئات؛ غرفه ما این‌جا هست، مجموعه فعالان جمعیت، بروند ارتباط بگیرند، یک ارتباطی بین مجمع ما و دوستان برقرار بشود، ظرفیت‌ها را بیاییم شناسایی بکنیم، هر کدام از دوستان می‌توانند. ما پشتیبانی طرح را داریم. یعنی تندیس را ما تقدیم می‌کنیم، هدیه‌ای قرار است به آن‌ها داده بشود. دوستان پای اجرای این کار بیایند و حتی‌الامکان هم نباید مسئولین و چهره حکومتی بگیرد. خود دوستان هیأتی ما، طلبه‌های ما، نخبگان ما، جوان‌های ما، این‌ها بروند حالا با یک شکلی که توضیح دارد این طرح، با خانواده ارتباط برقرار کنند. رسانه‌ای بشود و آخرالامر حالا می‌شود همایش‌های استانی و یک همایش ملی برایش در نظر گرفتیم فرض بفرمایید بعد از مدت یک سال که این‌ها بیایند توی این همایش جمع بشوند، عرض بکنم آن الگوهایی که شاخصه رسانه‌ای شدن را دارند این‌ها هم مطرح بشوند آن‌جا، فراخوان مقالاتی داریم توی زمینه موضوعات خانواده‌های پرجمعیت و مسائل مرتبط آن که آن‌جا ان شاءالله دیگه این مطرح می‌شود.

- خیلی متشکرم

- خواهش می‌کنم.

- البته حالا جای بحث و صحبت دارد. همین که چرا سن چهل سال با توجه به میانگین سن ازدواج و این که خب شبهه دوستان زیاد دارند در مورد این که، اگر چهل سال در نظر بگیریم که زیر چهل سال مادری چهار فرزند بیاورد از امروز

جامعه ما دور خواهد بود احتمالاً، به این جهت که سن ازدواج میانگینش بالاست و این اتفاق بیفتد، این تشبیه؟؟ تازه یک نکته‌ای هم حاج آقا وجود دارد حالا بعد بخش پایانی از شما پاسخش را می‌گیریم. این بخش که یک تأکیدی شما دارید روی این که حاکمیت ورود به این قصه نکند، این هم پذیرفته است. اما یک چیزی لاجرم باید پذیرفته بشود. طرح متفاوت با خانه‌های نورانی است. تا با حکومت تعامل نشود، ایجاد هم‌افزایی به حکومت نشود، برای این که راهکارهایی در جهت تشویق خانواده‌ها بگوید که فرزند بیشتر بیاورند. مثل حمایت‌های حاکمیتی از فرزندان، آن اتفاقی که در خیلی از کشورهای اروپایی می‌افتد این است که حکومت‌ها و حاکمیت‌ها خیلی محکم پای یک خانواده می‌ایستند و تعداد فرزندان بیشتر را حمایت‌های تشکیلاتی و سازمانی و دولتی می‌کنند مثل ابعاد خانه، مالیات و این‌ها، من به نظرم می‌رسد حالا باید به آن فکر کرد. این که بخش تعامل با حاکمیت و نهادهای حاکمیتی برای جا انداختن شیوه و راهکار ازدیاد فرزند ان شاءالله در آن اتفاق بیفتد. یک سؤالی از آقای جهاندار عزیز انجام بدهیم این که طرح خانه‌های نورانی الان به خروجی‌هایی مثل برگزاری اردوی مشترک یا ازدواج افراد با همدیگه، معرفی، یک کار جهادی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، الان به این رسیده؟

- خدمت شما که عرض بکنم جمع که شکل می‌گیرد؛ ماها معتقدیم که توی اسلام کفالت خیلی از امور به عهده خود ماها است نه حاکمیت‌ها، مثلاً رفع فقر، ما می‌بینیم که قرآن تعبیر دارد دیگه «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (ذاریات/۱۹) «خودتان بروید مشکلات را حل بکنید. ما اعتقادمان این است که توی تجربه‌های خانه‌های نورانی وقتی که خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند به قول تعبیر حضرت آقا خاصیت بسیج‌کنندگی نیروهای انقلاب، آدم‌ها که می‌آیند کنار هم قدرت‌شان افزایش پیدا می‌کند. این هم‌افزایی می‌تواند اتفاقات مثبتی را رقم بزند. خب ما جمع‌مان شکل گرفت. خانواده‌ها آمدند کنار هم، خانه‌های نورانی یک پاتوقی شد از مجموعه فعالین فرهنگی شهر که خانوادگی می‌آمدند جلسه، خب حالا توی این جمع شدن دو هم این اتفاقات رقم خورد که من تعدادش را گفتم. برویم قدم بعد گام ششم‌مان، گام ششم‌مان همین بحث خیریه بود. گفتیم خب اگر خانواده‌ایی می‌خواهد نورانی باشد کار خیر نکند که به درد نمی‌خورد که، الان وجه ما توی کمک به محرومین چیست؟ ما گفتیم آقا این کمک‌های موقتی و شب عیدی و بسته‌ها و این‌ها خوب است. ما این کارها را انجام می‌دهیم، دوتا کار داریم. شب‌های عید یک طرحی داریم بوی عید، سال اول از صدتا بسته شروع کردیم خدا شاهد است خودمان با پیامک و زنگ و تلفن از آدم‌های پیرامون خودمان، یک ظرفیتی را آزاد کردیم صدتا بسته صد و بیست هزار تومانی جمع کردیم شب عید دادیم دست مردم، سال بعدش برکت کرد شد صد و پنجاه‌تا

بسته دویست هزار تومانی، و پارسال ما خدا را شکر که یک همت بیشتری کردیم هفتصدتا بسته سیصد هزار تومانی جمع کردیم. ببینید این ظرفیت بیست تا خانواده است که دور هم جمع شدند. حالا این را پخشش بکنید توی همه‌ی هیئات کشور ببینیم اصلاً دیگه فقری این وسط می‌ماند ما بخواهیم جمعش بکنیم یا نه؟ خیریه که شکل گرفت گفتیم آقا این کمک‌ها خیلی خوب، نیاز هم هست، باید هم انجام بدهیم؛ حالا خانواده فقیر است ما می‌شناسیمش، بخاری ندارد می‌خریم؛ روی چشم‌مان، اما آمدیم وارد یک طرحی شدیم به نام طرح تکافل اجتماعی، طرح تکافل حرفش این است که آقا؛ اگر چه کمک‌های موقتی نیاز هست اما شما خانواده‌ای که تازه تشکیل دادی، دستت هم به جایی می‌رسد، درآمدت هم بد نیست، برو کفالت یک خانواده نیازمند را کامل به عهده بگیر؛ یعنی برد رد کارش، اگر مشکل اشتغال دارد حل کن، اگر مشکل اعتیاد دارد حل کن، اگر توی وادی طلاق هستند حل کن، اگر مشکل آموزش فرزندش هست حل کن، ما الان این اتفاق را داریم رقم می‌زنیم. تقریباً بیست تا، بیست و پنج تا خانواده‌ایی هستند که تحت تکافل بچه‌های ما هستند. این‌ها دائم با هم ارتباط دارند، رفت و آمد دارند، توی معیارهای قناعت ما می‌گوییم باید آدم دوست فقیر داشته باشد. رفت و آمدهای خانوادگی با این‌ها شکل گرفته و طرح تکافل الان دارد توی زمینه رفع فقر این جوری عمل می‌کند که من فکر می‌کنم باید همه ما به این سمت حرکت بکنیم. هر خانواده هیأتی یک خانواده فقیر تحت تکافالش باشد. خب اگر ما بتوانیم نیاز این‌ها را برطرف بکنیم اتفاقات مثبتی می‌توانیم رقم بزنیم.

گام هفتم ما این بود که آقا دیدیم حالا بین خودمان و بین افرادی که پیرامون‌مان هستند یک سری گره‌هایی است که ما باید این گره‌ها را باز کنیم. سنت قرض الحسنه هم ما داریم. چه کار بکنیم؟ قرض الحسنه خانگی، اصول قرض الحسنه‌های خانگی این است که آقا یک پولی می‌آورند و قرعه‌کشی می‌کنند می‌دهیم به یک نفر، دیدیم آقا این گره‌گشایی خیلی توی این نیست. به درد کار ما نمی‌خورد. ما نشستیم فکر کردیم یک اساسنامه‌ای طراحی شد با فروش سهم‌های بیست و پنج هزار تومانی، من توی برانتز بگویم بزرگواران، تمام این ده تا گامی که من عرض می‌کنم توی طول چهار سال اتفاق افتاده و برای هر کدامش هم ما روش اجرایی داریم، این نیست که ما یک دفعه بگوییم آقا فردا صبح قرض الحسنه؛ خب برویم وام بدهیم. این جوری نیست واقعاً

-گیرنده طرح؟؟ شورای مرکزی است یا یک هیأت مؤسسی؟؟ است

- نه، حالا خیلی هم ما این جوری نیست که بگوییم یک هیأت مؤسسی دارد. ما خودمان هستیم می‌نشینیم ...، ما با هم

کوه می‌رویم، می‌نشینیم فکر می‌کنیم خب چه کار کنیم؟ بسم الله این کار را انجام بدهیم

؟؟ -

- یک جمع پنج نفره‌ای هستیم که این حلقه را تشکیل دادیم الان ارتباطات مان خب با هم بیشتر است دیگه، یعنی اگر قرار باشد توی حوزه تصمیم‌سازی کاری انجام بدهیم بین این؛ پنج نفر تصمیم می‌گیرند. ما قرض‌الحسنه را با یک ساز و کار جدید شکل دادیم. ساز و کارمان هدفش گره‌گشایی بود. من سهم بیست و پنج هزار تومانی می‌خریدم به صندوق ماهانه پول می‌دادم، اگر کسی نیاز وام داشت درخواست می‌داد. ما توی یک سال و تقریباً چهار پنج ماه از وام‌های دو میلیون تومانی شروع کردیم الان رسیدیم به وام‌های پنج میلیون تومانی، هشتاد میلیون تومان وام دادیم. خب اگر این همت نمی‌آمد این هشتاد میلیون پول الان کجا بود؟ معلوم نبود. خب حالا این را ضرب کنید توی تمام هیئاتی که این نماینده‌هایش نشست‌اند. ببینید این گره‌گشایی‌های خیلی ساده و خیلی ریسک واقعاً مثلاً طرف دچار بیماری شده گیر الان یکی دو میلیون تومان پول است و ندارد. خب یک ملجأ خانوادگی باید وجود داشته باشد که بتواند با اعتمادی که به این جمعی که درونش قرار دارد بتواند این کمک را از او بگیرد. همان که ما بچه بودیم پیاز نداشتیم می‌رفتیم به همسایه می‌گفتیم که پیاز بده، تخم مرغ بده، ولی الان دیگه ما متأسفانه این چیز را نمی‌بینیم.

- جمع‌بندی بفرمایید.

- بله، ما گام هشتم بعدی مان هم دیدیم آقا خانواده تفریح می‌خواهد، طبیعت‌گردی می‌خواهد اما خیلی وقت‌ها فضاهای اجتماع مناسب ماها نبود. می‌رفتیم فضاهای اجتماعی اعصاب مان را به هم می‌ریخت گاهاً، گفتیم اگر جمع بشویم دور هم توی یک فضایی برویم اثرگذار هستیم تا اثرپذیر، یک گروه کوهنوردی، طبیعت‌گردی شکل گرفت؛ با همان حفظ قواعد ارتباط، الان برنامه‌های تفریحی، زیارتی، سیاحتی، کوه، خب کوه می‌رویم کنارش پاکسازی طبیعت داریم. شما باور نمی‌کنید آدم‌هایی که می‌آیند طبیعت پاکسازی می‌کنند ماها را می‌بینند، حزب‌اللهی هم کوه تمیز می‌کنند باور نمی‌کنند، شما مگر این کارها را هم انجام می‌دهید؟! خیلی برای‌شان تعجیبی است. خب با این کارها توانستیم یک فضای صمیمیت بیشتری هم بین اعضای که توی خانه‌های نورانی شکل گرفته بودند انجام بدهیم. این گروه هم شکل گرفت.

گام نهم ما هم بحث ماه مبارک رمضان بود که دیگه برکت قرآن آن جا است. شکل گرفت جلسات هفتگی قرآن و کنار آن احیای سنت افطاری ساده، چون الان بحث افطاری‌ها آدم بررسی می‌کرد می‌دید این قدر سخت شده به خاطر هزینه‌ها؛ اصل داستان رفته زیر سؤال، ما شروع کردیم ترویج افطاری ساده را، خانه‌های همدیگر افطاری گرفتیم با پذیرایی نان پنیر سبزی یا یک نان و پنیر هندوانه، البته نه هندوانه دو سه هزار تومانی، آن وقت که ارزان بود. با این سنت افطاری

ساده هم الحمدلله احیاء شد و الان داریم این کار را انجام می‌دهیم. ته آن گام دهم ما حالا است که من این را بگویم. ما پنج‌تا خانواده بودیم بزرگواران؛ الان پنجاه‌تا خانواده هستیم. هیجی بچه نبودیم الان چهل پنجاه‌تا بچه‌ایم که توی هر جلسه ثابت‌مان یک هفته در میان مجبوریم مهد کودک حسینی هم داشته باشیم، بچه‌ها را یک نفر ببرد آن جا سرگرم بکند که خانواده مشغول جلسه بشود. آدم‌های جدید اضافه شد، حرف‌های جدیدی آمد که یک سری اتفاق افتاد. من اگر فرصت باشد حالا بعد از کلام شما یکی دو مورد از اتفاق‌های بزرگترمان را هم بگویم و ان شاءالله عرضم را تمام بکنم.

-اگر سؤال دارید همین جا توی یک دقیقه جواب بفرمایید که دیگه خدمت حاج آقا باشیم و؟؟

- چشم! اتفاق مهم بحث مادر و فرزند بود. ما حلقه مادرانه و حلقه تربیت فرزند شکل دادیم. یک جلساتی شکل گرفته، مادر و فرزند شکل؟؟ می‌کند با هدف تسهیل شرایط مادری، مادرها کنار هم بنشینند، تجربه بیان کنند، وسیله به هم قرض بدهند، کمک هم بکنند به تعبیر حاج آقا مادری را می‌توانند آسان بکنند برای همدیگه، بعد از آن بحث قیام خانوادگی بود. اربعین همه می‌خواستیم برویم کربلا با بچه کوچک سخت بود. گفتیم خانه‌های نورانی همت می‌کند با هدف تسهیل شرایط سفر اربعین ما این کار را کردیم، با بچه‌های کوچک‌مان دوتا اتوبوس شدیم رفتیم اربعین، الحمدلله سفر بسیار با تجربه خوبی من تولد دو سالگی پسر خودم را کربلا گرفتم و نه سختی را خدا را شکر تحمل کردیم و نه خاطره بدی ایجاد شد. یک اتفاق دیگر هم رخ داد. ما خانواده بودیم نیاز به خانه داشتیم ولی پول نداشتیم. یک کانونی را شکل دادیم؛ کانون دوستداران خانه‌دار شدن بی‌پول، هی نشستیم فکر کردیم چه جوری خانه‌دار بشویم؟ از دل آن به یک ساز و کار اقتصادی رسیدیم بر پایه تعاون و ایثار که الان دوتا مجموعه هشت واحدی؛ یعنی شانزده واحد داریم کاشان ساختمان می‌سازیم که بافت همسایگی را احیاء کنیم. آن ساختمان حسینیه دارد، مرکز فرهنگی دارد، دفتر قرض‌الحسنه دارد و تمام این‌ها توانسته این کارها را انجام بدهد. و شعبه‌هایی که شکل گرفت. خدا را شکر ایده که مطرح شد دوستان ما توی تهران خانه‌های نورانی را راه‌اندازی کردند. اصفهان و فریدونشهر هم شکل گرفته، سه چهارتا شعبه دیگر هم توی خود کاشان شکل گرفته از این خانه‌های نورانی، ان شاءالله جمع بشویم کنار هم مشکلات را بتوانیم با هم مرتفع بکنیم به لطف همدیگه

-؟؟ دقیقه هم حاج آقای منفرد جمع‌بندی؟؟ کنند و

- خواهش می‌کنم. شما یک شبهه‌ای بیشتر مطرح کردید توی بحث ما، آن بحث اقتصاد و مسائلی که باید حکومت‌ها بیایند یاری بکنند برای این که این بحث افزایش جمعیت اتفاق بیفتد. ما منکر این نیستیم که در بحث جمعیت، مسئله

جمعیت مرتبط با مسائل مختلف است. اقتصاد، مسائل پزشکی، مسائل تسهیلات و امکانات بچه‌ها، رفاهی و، و، و مسائل مختلفی که می‌تواند مرتبط با حوزه جمعیت هست. اما اعتقاد داریم؛ این هم از صحبت‌های خود حضرت آقا گرفتیم. مشاهدات عینی خودمان هم این بوده، مطالعات علمی ما هم همین بوده که اصل قضیه در موضوع جمعیت، بحث بحث فرهنگ‌سازی است. یعنی اگر شما مشکلات اقتصادی را هم حل نکنید، بارها ما توی همایش‌های مختلف سؤال کردیم گفتیم ابتدا اصلاً موضوع‌مان را لو ندادیم که جمعیت است، بعد سؤال کردیم گفتیم اگر الان به شما یک جایزه پانصد میلیونی همین الان بدهند، شما با این جایزه پانصد میلیونی چه کار می‌کنی؟ این جایزه تبدیل به آهن و ماشین می‌شود، تبدیل به آجر و خانه می‌شود، تبدیل به همه چیز می‌شود. آنتالیا و سفر و همه چیز می‌شود الا بچه، پس ببینید گیر اصلی گیر اقتصادی نیست. گیر اصلی گیر فرهنگ است. این که فرزندآوری تبدیل متأسفانه به یک ضدارزش شده بعضی جاها یا حداقل این است که ارزشی ندارد. این مسئله مسئله فرهنگ است. یک نکته‌ای هم من نکته پایانی عرض بکنم. این طرح شکوه مادری که گفتیم و اصلاً کلاً در قصه جمعیت، ما معتقدیم تنها قضیه‌ای که حضرت آقا بارها و بارها و به کرات ندای استنصار آقا مطرح کردند، فریاد استنصار آقا توی این قضیه جمعیت بلند است و متأسفانه دولت که فعلاً همراه نیست. بدنه بچه‌های حزب‌اللهی‌های ما هم هنوز همراه این موضوع نشده‌اند. لذا حتماً با دوستان ما ارتباط بگیرید توی این مدت، کمیسیون که هستش و حتماً شرکت بکنید. ما هم این ندای استنصار را این جاداریم سر می‌دهیم. ان شاءالله پای این موضوع شکوه مادری هم به عنوان یک اقدام در حوزه ترویج فرزندآوری ان شاءالله بیاید. ما در خدمت شما هستیم.

- خدا خیر به شما بدهد. ان شاءالله هر دو

- ارتباط؟؟ هم بگویید به دوستان

- جان؛ من یک تمنایی می‌کنم که بعد از جلسه حالا حاج آقای قمی هم قدم‌رنجه فرمودند، بعد دوستان هستند؛ حتماً ارتباط بگیرید و شیوه‌های ارتباطی هم ان شاءالله حتماً خدمت‌تان تقدیم خواهند کرد و این که اگر الان می‌خواهید ارتباط را اعلام بفرمایید.

- این بزرگواران محصول ما توی خانه‌های نورانی تجربه‌اش مکتوب موجود است. حالا به لطف آقای طالبی هم ان شاءالله قرار است به صورت رسانه تولید بشود که ما روش اجرایی‌مان چه باشد؟ اگر بخواهیم در دل هیئات‌مان خانه‌های نورانی را با محوریت خانواده‌ها شکل بدهیم و بتوانیم این اثرگذاری‌ها را توی جمع خانواده‌ها داشته باشیم و کفالت

موضوع خانواده را بر عهده بگیریم. این محصول هست. بزرگوارانی که خواستند ان شاءالله ارتباط برقرار بکنند ما در خدمتشان هستیم بتوانیم کمک بکنیم، خیلی هم خوشحال می شویم. شماره بنده هم اگر بخواهند یادداشت بکنند ۰۹۱۳۱۳۶۶۳۴۶ جهاندار. ان شاءالله که خداوند به همه توفیق بدهد بتوانیم قدمی برداریم و دل رهبرمان را شاد بکنیم. من تشکر می کنم از همه

- خیلی متشکرم. البته غرفه دوستان هم پایین هست؛ می توانند ارتباط بگیرند. حاج آقا شما ارتباط؟؟ یا غرفه؟
- بله، توی همین غرفه بیایند. کمیسیون مان هم که شرکت بکنند. این کمیسיוنی که هست با موضوع جمعیت، آقای دکتر مروتی ارائه دارند آن جا، دعوت می کنیم شرکت بکنید حتماً، مباحث خوبی ان شاءالله مطرح می شود. نمایشگاهی هم که دم در از ورودی مجتمع یاوران که می آید برپا است. این ها راهم به نظر من بازدید بکنید خالی از لطف نیست. غرفه ای هم دوستان مان دارند، مجمع فعالان جمعیت، با دوستان مان می توانید ارتباط بگیرید.

- خیلی متشکرم از هر دو عزیز، موضوع خانه های نورانی موضوع بسیار مهمی است. همین طور هم موضع حاج آقای منفرد، ان شاءالله که همه توجه خاص به آن داشته باشیم. خدا برکت بدهد به کار هر دو عزیز، برکت کار و همراهان شان صلوات بلند بفرستید. (صلوات).

پایان